

بررسی فقهی حقوقی رابطه قاعده اتلاف با تخریب محیط زیست

احمد اکبرزاده^{۱*}، ابراهیم تقی زاده^۲

۱. دانشجوی دکتری گروه الهیات، دانشگاه پیام نور، تهران
۲. دانشیار، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۶/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۷/۲۲

Legal Jurisprudential Review of the Relationship Between Waste Rule and Environmental Degradation

Ahmad Akbarzadeh^{1*}, Ibrahim Taqizadeh²

1. Lecturer of Theology, Payame Noor University, Iran
2. Associate Professor of Department of Law, Payame Noor University, Tehran

Reception: 24 May 2016; Acception: 17 December 2016

Abstract

In jurisprudential debates, a rule of wasting has been established to protect and safeguard the property of others, according to it, anyone losing their property, he is the guarantor and must be accountable. On the other hand, degradation of the environment, such as uncontrolled and unauthorized consumption of natural resources, environmental degradation and pollution of the natural environment, are considered as the clear indication of the waste of wealth. Based on the rule of law and civil rights, the loss of both civil liability and non-civil liability will result in loss and, therefore, the person who degrades the environment will be the guarantor.

Keywords: Guaranty, The Rule of Wasting, Property, Civil Liability.

چکیده

در مباحث فقهی برای حفاظت و صیانت از اموال دیگران قاعده‌ای به نام قاعده اتلاف تأسیس شده است که بر مبنای آن هرکس باعث اتلاف مال غیر شود، ضامن است و باید پاسخگو باشد.

از طرفی تخریب محیط زیست از قبیل مصرف بی رویه و غیرمجاز از منابع طبیعی، تعدی به محیط زیست مصنوعی و آلوده کردن محیط زیست طبیعی بی جان از مصادیق بارز اتلاف مال غیر، محسوب می شود. بر اساس قاعده مذکور و حقوق مدنی، اتلاف چه به صورت بالمباشره و چه به صورت تسبیب باشد، موجبات مسئولیت مدنی را فراهم می آورد و لذا شخص متلف ضامن خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: ضمان، قاعده اتلاف، مال، مسئولیت مدنی.

مقدمه

محیط‌زیست، به عنوان مجموعه‌ای از موجودات، منابع، عوامل و شرایط هماهنگی که در اطراف هر موجود زنده وجود دارد و ادامه حیات به آن وابسته است، یکی از بزرگ‌ترین مواهب الهی است که در اختیار بشر قرار داده شده است. این مجموعه تأثیری شگرف بر روح و روان آدمی دارد. محیط پاک، آراسته و خرم، زندگی را شاداب و معطر می‌سازد. قرآن کریم درباره اثر طبیعت می‌فرماید: *وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَثَ لَا يُخْرِجُ إِلَّا تَكْدًا كَذَلِكَ نَصْرِفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُشْكِرُونَ* (اعراف/۵۸).

سرزمین پاکیزه، گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید؛ اما سرزمین‌های بد طینت [و شوره‌زار]، جز گیاه ناچیز و بی‌ارزش، از آن نمی‌روید.

در منابع اسلامی به عنوان محیط‌زیست حکمی مطرح نشده است ولی بدون تردید درباره آب، زمین، پاکی و ناپاکی، آتش‌سوزی و مسائلی از این قبیل در آیات، احادیث و سایر منابع، احکام زیادی وجود دارد که به کمک آن‌ها می‌توان مقررات دقیقی برای مسائل محیط زیست به دست آورد. در مورد آباد کردن زمین و پایداری محیط زیست آمده است:

وَالْيَاقُوتُ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ (هود/۶۱).

و به سوی [قوم] ثمود برادرشان صالح را [فرستادیم] گفت ای قوم من خدا را بپرستید، برای شما هیچ معبودی جز او نیست، او شما را از زمین پدید آورد و در آن شما را استقرار داد پس از او آموزش بخواهید آنگاه به درگاه او توبه کنید که پروردگارم نزدیک [و] اجابت‌کننده است.

در این رابطه پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: هرگاه قیامت برپا شود و در دست یکی از شما نهالی باشد اگر به اندازه کاشتن نهال فرصت دارد، باید آن را بکارد (نوری، ۱۴۰۸: ۴۶۰/۱۳).

فرهنگ اسلامی، طبیعت را گهواره و زمینه‌ساز پرورش و کمال انسان می‌داند. نظام طبیعت، بر اساس حکمت آفریده شده است. *أَنَا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ* (قمر/۴۹). ما هر چیزی را به اندازه آفریدیم.

تخریب محیط‌زیست بر کیفیت و چرخه طبیعی اثر می‌گذارد و پیامدهای زیان‌باری برای زندگی انسان، حیوان، گیاه و بناها دارد. بر همین اساس در متون اسلامی تأکید فراوان بر حفاظت از محیط‌زیست و منع از نابود کردن آن

شده است.

از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است که حضرت فرمود: *تَحْفَظُوا مِنَ الْأَرْضِ فَإِنَّهَا أُنْثَىٰ وَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ عَامِلٌ عَلَيْهَا خَيْرًا أَوْ شَرًّا إِلَّا وَهِيَ مَخْبُورَةٌ* به (مجلسی، ۱۴۰۴: ۹۷/۷).

از زمین به درستی حفاظت کنند که آن مادر شماس است و هر که روی زمین کار بد یا خوبی کند، از آن خبر می‌دهد.

مولی امیرالمؤمنین علی‌ه‌السلام در این مورد می‌فرماید: *اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبَقَاعِ وَالْبَهَائِمِ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ لَا تَغْصُوهُ* (نهج‌البلاغه/خطبه ۱۶۷).

از خدا بترسید و تقوا پیشه کنید زیرا شما در پیشگاه خداوند مسئول بندگان خدا و شهرها و خانه‌ها و حیوانات هستید.

در متون فقهی اگرچه بحث محیط‌زیست و حفاظت از آن، تحت عنوان مستقلی نیامده است ولی در موضوعات مختلف فقهی می‌توان توجه به این مهم را یافت. یکی از مباحث فقهی که می‌تواند مرتبط به بحث باشد قاعده فقهی «اتلاف» است بر اساس این قاعده از بین بردن مال دیگران حرام است و موجب ضمان می‌شود. اگر تخریب و از بین بردن محیط‌زیست، عنوان اتلاف مال دیگران داشته باشد، مشمول قاعده اتلاف شده و تخریب آن حرام و موجب ضمان خواهد بود. در این مقاله سعی بر این است که رابطه بین قاعده اتلاف و حفاظت از محیط‌زیست از دو منظر فقهی و حقوقی مورد بررسی قرار گیرد.

قاعده اتلاف

اتلاف از موجبات ضمان قهری است (ماده ۳۲۸ قانون مدنی). مباحث مربوط به اتلاف در قاعده‌ای به همین نام و با عبارت «من اتلف مال الغير فهو له ضامن» در کتب فقهی مطرح است (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۲۵/۲). هرگاه کسی مال دیگری را بدون اذن صاحبش تلف کند در برابر صاحب آن ضامن است و باید مثل و یا قیمت آن را تدارک نماید و علم و قصد دخلی در ثبوت این ضمان ندارد (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ۱۹۳/۲). حکم اولی اتلاف مال دیگری از جهت تکلیفی، حرمت و از جهت وضعی، ضمان است.

مستندات قاعده اتلاف

برای اثبات قاعده اتلاف ادله‌ای اقامه شده است که به صورت مختصر به آن‌ها اشاره می‌شود.

الف) قرآن

یکی از آیاتی که بر قاعده اتلاف به آن استناد شده آیه ۱۹۴ سوره مبارکه بقره است که می‌فرماید: *فَمَنْ اَعْتَدَى عَلَیْكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَى عَلَیْكُمْ*

هرکس به شما تعدی کرد، شما هم همان‌گونه به او تعدی کنید.

وجه استدلال به این آیه شریفه این‌گونه است که اتلاف و از بین بردن اموال و حقوق دیگران بدون اذن و اجازه آن‌ها و به ناحق، تعدی در حق آن‌ها محسوب می‌شود و بر اساس مدلول آیه، به همان مقدار جایز است که از متجاوز گرفته شود (طوسی، ۱۳۸۷: ۶۰/۳؛ حلی، ۱۴۱۰: ۴۸۰/۲).

با استدلال به آیه فوق برای اثبات قاعده اتلاف اشکالات ذیل وارد شده است:

اشکال اول: عنوان اتلافی که در قاعده است، شامل حالت‌های عمد و غیر عمد، اختیار و عدم اختیار می‌شود درحالی‌که ضمان در آیه مربوط به صورت عمد و اختیار است؛ بنابراین اگر کسی در حالت خواب مال کسی را تلف کند ضامن است در حالی که اعتداء محقق نشده است.

اشکال دوم: جواز اعتداء به مماثل، یک حکم تکلیفی برای غیر است در حالی که ضمان تعلق گرفته بر ذمه متلف یک حکم وضعی است (فاضل، بی‌تا: ۴۶).

ب) روایات

گفته شده که عبارت «من اتلف مال الغیر فهو ضامن» روایت نیست اما روایات فراوانی در ابواب گوناگون فقه به این مضمون وارد شده است که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱- در مبحث احترام مال مسلمان حدیثی از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نقل شده است که می‌فرمایند: دشنام‌گویی به مؤمن نافرمانی است و جنگیدن با او کفر است و خوردن گوشت او حرام است و احترام مال مؤمن همانند احترام خون او است (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۴/۴).

۲- امام صادق علیه‌السلام در پاسخ به سؤال از حکم چیزی که در راه مسلمان قرار داده شده و سبب ترس و فرار چهار پا شده است و در نتیجه صاحبش را به زمین بزنند، می‌فرمایند: هر چیزی که موجب زیان راه و عابر شود ضامن آور است (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۸۱/۱۹).

۳- در مورد کسی که به واسطه شهادت دروغ خود باعث شود مالی از فردی تلف شود، امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: اِذَا كَانَ الشَّيْءُ قَائِمًا بَعِيْنَهُ رَدَّ عَلَى صَاحِبِهِ وَالْأَضْمَنُ بِهِ قَدْرَ

ما اتلف من مال الرجل (قمی، ۱۴۱۳: ۵۹/۳).

اگر مال باقی باشد به صاحبش برگردانده می‌شود، در غیر این صورت شاهد به اندازه‌ای که از مال دیگری تلف شده است، ضامن است.

۴- اسماعیل بن ابی الصباح می‌گوید از امام صادق (علیه‌السلام) درباره رنگری پرسیدم که کالایی به او تسلیم شده، او کالا را پاره کرده و یا سوزانده است، آیا باید خسارت آن را پرداخت کند؟ امام (علیه‌السلام) فرمودند: او را به جنایتی که به دستش انجام داده جریمه کنید (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۴۴/۱۹). این روایت گرچه در خصوص رنگرز وارد شده است؛ ولی ملاک آن عمومی بوده است و شامل همه موارد اتلاف می‌شود.

ج) بنای عقلا

عقلا و اهل عرف معتقدند که هر کس مال دیگری را به ناحق از بین ببرد، از هر جنس و نوعی که باشد چه اصل مال باشد و یا منافع آن، ضامن است و هیچ‌کس منکر این امر نیست و خلاصه اینکه این قاعده نزد آنان از مسلماتی است که شک در آن راه ندارد. از آنجا که شارع مقدس آن را رد نکرده بلکه در بسیاری از کلماتش آن را امضاء نیز کرده است، در نزد شارع نیز ثابت است (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ۲۰۲/۲).

د) اجماع

برخی از فقها در مقام اثبات حجیت قاعده اتلاف به اجماع تمسک جست‌ه‌اند و قاعده اتلاف را مورد قبول تمامی فقها می‌دانند، به طوری‌که کسی در آن اختلاف نکرده است و می‌توان گفت این قاعده میان تمامی فرقه‌های مسلمین قاعده‌ای مسلم است (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۲۵/۲). این اجماع به دلیل مدرکی بودن، فاقد اعتبار می‌شود؛ اما در هر حال می‌تواند مؤیدی برای مقصود باشد.

مفاد قاعده اتلاف

الف) اتلاف

تلف در لغت به معنی هلاک، تباهی و نابودی است. طبق نظر فلاسفه چیزی که موجود است، نابود و معدوم نمی‌شود بلکه هرآنچه که در عالم هستی اتفاق می‌افتد تغییر و تحول است. منتها این تغییر گاهی به نحوی است که شیء همه

بی تا: ۳۷۴).

۵- اتلاف بر دو قسم است: اتلاف بالمباشرة و اتلاف بالتسبیب. اتلاف بالمباشرة به دلیل اتفاق همه فرق اسلامی و همه عقلای عالم موجب ثبوت ضمان می شود. اتلاف بالتسبیب هم موجب ضمان است. دلیل بر این مطلب روایاتی است که در این مورد آمده است (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۳۲/۲).

۱- صحیح الحلبی عن أبي عبد الله عليه السلام، سألته عن الشيء يوضع على الطريق فتمر الدابة فتتفر بصاحبها فتعقره؟ فقال عليه السلام: «كل شيء يضّر به طريق المسلمين فصاحبه ضامن لما يصيبه» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۳۴۹؛ تهذیب الاحکام، ۱۴۰۷: ۱/۲۲۳؛ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۹/۱۸۱).

۲- صحیح زرارة عنه عليه السلام أيضا، قلت له: رجل حفر بئرا في غير ملكه فمر عليها رجل فوق في ها؟ فقال عليه السلام: «عليه الضمان لأن كل من حفر في غير ملكه كان عليه الضمان» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۳۵۰؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۰/۲۳۰؛ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۹/۱۷۹).

۳- موقّق سماعه: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن الرجل يحفر البئر في داره أو ملكه؟ فقال عليه السلام: «ما كان حفر في داره أو ملكه فليس عليه ضمان و ما حفر في الطريق أو في غير ملكه فهو ضامن لما يسقط فيها» (کلینی، ۱۴۰۷: ۷/۳۵۰؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۰/۲۲۹؛ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۹/۱۸۰).

مطابق ماده ۳۳۱ قانون مدنی هر کس سبب تلف مالی شود باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد، باید از عهده نقص قیمت آن برآید.

تلف حقیقی و تلف حکمی

اتلاف بر دو قسم است: اتلاف حقیقی که در آن اصل مال از بین می رود و اتلاف حکمی که در آن بر خلاف اتلاف حقیقی اصل مال از بین نمی رود بلکه از مالیت افتاده و فاقد ارزش می شود؛ مثلاً زمینی به واسطه سموم تولید شده در یک کارخانه آلوده شده است و غیرقابل استفاده می شود. در اینجا زمین موجود است ولی از مالیت و ارزش افتاده است. سؤال این است که آیا قاعده اتلاف فقط شامل اتلاف حقیقی می شود و یا اینکه اتلاف حکمی را نیز در برمی گیرد؟ در این خصوص دو دیدگاه وجود دارد.

دیدگاه اول: قاعده فقط شامل اتلاف حقیقی می شود:

۱- تلف به معنی هلاک و فناء است و اتلاف مال عبارت از اهلاك و افناء آن است. این اهلاك گاهی به خود مال و

خواص محسوس خود را از دست می دهد مثل پارچه ای که می سوزد و زمانی شیء خاصیت مهم خود را از دست می دهد؛ یا اتافی که سقف آن فرو ریزد؛ گاهی مال با تمام خواصش موجود است ولی مالک بر آن سلطه ای ندارد؛ مانند پرنده ای که از قفس رها شده است.

در بحث از بین بردن مال دیگری گاهی فرد به طور مستقیم مال را تلف می کند که از او به مباشر تلف تعبیر می شود مثل این که خانه کسی را آتش بزند ولی گاهی مستقیماً دخالت نمی کند بلکه مقدمات تلف را فراهم می کند که تعبیر به مسبب تلف می شود؛ مثل این که در معبر عمومی چاهی بکند و دیگری بر اثر بی احتیاطی در آن چاه بیفتد (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲۸).

آیا اتلاف و تسبیب دو قاعده است یا دو قسم از یک قاعده؟ به نظر می رسد این بحث از مطالب مهم این قاعده است. از این رو فقها مباحث زیادی را در این رابطه مطرح کرده اند. این بحث از جهاتی مورد توجه و اهمیت می باشد زیرا از نظر اکثر فقها این مسئله مطرح است که آیا ضمان قاعده اتلاف ویژه مباشر است یا سبب را نیز فرا می گیرد؟ این موضوع در بعضی از کتب با دو عنوان قاعده اتلاف و قاعده تسبیب مورد بحث قرار گرفته است (محقق داماد، ۱۳۸۷: ۱۱۹ و ۱۳۰). در بعضی دیگر از منابع آمده است که قاعده اتلاف به لحاظ فاعل، به مباشر و سبب تقسیم می شود که به چند مورد اشاره می شود:

۱- در جریان قاعده اتلاف و ثبوت ضمان، ابتدا باید موضوع اتلاف تحقق یابد، یعنی چیزی تلف شود و این تلف مستند به کسی باشد. اتلاف با هرگونه تفویت مال محقق می شود که گاهی این تفویت به صورت اتلاف (از بین رفتن) است و گاهی به صورت تفویت منفعت یا ضایع کردن آن یا غیر آن است، خواه اتلاف به صورت مستقیم باشد یا باواسطه (خیمینی، ۱۴۲۸: ۱/۳۲۵).

۲- اتلاف مال غیر گاهی بالمباشرة و گاهی بالتسبیب است. بالتسبیب مثل کندن چاه در راه و افتادن عابر در آن، در این حالت ضمان بر مسبب است. برای اثبات این مطلب نصوص فراوانی موجود است (مصطفوی، ۱۴۲۱: ۱۲۰).

۳- اتلاف موجب ضمان است؛ اعم از اینکه تلف شده عین باشد یا منفعت و اعم از اینکه بالمباشرة باشد یا بالتسبیب (فیض کاشانی، بی تا: ۱۳/۱۷۵).

۴- اتلاف سببی است که موجب ضمان می شود و این اتلاف گاهی بالمباشرة است و گاهی بالتسبیب است (حلی،

گاهی به مالیت مال با بقاء ذات مال تعلق می‌گیرد. ظاهر از عبارت قاعده، اتلاف خود مال است و نه اتلاف مالیت مال؛ بنابراین ضمان افناء مالیت مال، نیازمند دلیل دیگری غیر از قاعده اتلاف است (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۲۸/۲ و ۲۹).

۲- اتلاف به معنی افناء و نابودن کردن است؛ لذا این قاعده شامل مواردی می‌شود که اتلاف حقیقی اتفاق افتاده باشد و در حکم اتلاف حکمی از آن استفاده نمی‌شود (فاضل لنکرانی، بی‌تا: ۵۰).

دیدگاه دوم: قاعده شامل هردو قسم از اتلاف می‌شود: ۱- ثم إن التلف أعم من المال أو المالية تلف مال اعم از تلف مال یا مالیت است (شیرازی، بی‌تا: ۱۲۱).

۲- اتلافی که در قاعده مطرح شده اتلافی است که باعث انقطاع دست مالک از ملک، مال و حقش شود هرچند خود مال صحیح و سالم باشد. مثلاً کسی پرنده شخصی را از قفس رها کند و آن پرنده پرواز کند و برگردد گرچه صحیح و سالم است ولی به لحاظ این که مالک دسترسی به پرنده‌اش را ندارد، رهاکننده ضامن است. در محیط قانون و منطقه احکام شرعی نیز، همین موضوع مطرح است. اگر کسی حیوانی را وطی کند گرچه آن حیوان صحیح و سالم است ولی از نظر شرعی او حیوان را از تحت تصرف مالکش خارج کرده و در حقیقت حیوان را بر او تلف کرده است لذا ضامن است (خمینی، ۱۴۱۸: ۲۵).

۳- قاعده اتلاف مفهوم وسیعی از اتلاف را شامل می‌شود و این شمول امری عقلایی است؛ پس اگر کسی مال دیگری را تلف کند یا فاسد کند یا بخورد یا معیوب نماید یا آن را بر صاحبش فاسد کند، هرچند خود مال را فاسد نشود؛ مثل اینکه مال دیگری را به غاصبی بدهد که باز پس گرفتن از او ممکن نباشد از زمره تضييع و افساد مال خواهد بود و عقلاً او را ضامن می‌دانند. دلیل بر این مطلب در ذیل به صورت مشروح آمده است.

۱- روایات

الف) مؤثقة ساعة قال: سألته عن المملوك بين شركاء، فبعث أحدهم نصيبه، فقال هذا فساد على أصحابه، يقوم قيمة، ثم يضمن الثمن الذي أعتقه؛ لأنه أفسده على أصحابه (كلینی، ۱۴۰۷: ۶/۶۸۳).

ب) صحیحة سلیمان بن خالد، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: سألته عن المملوك بين شركاء، فبعث أحدهم نصيبه. قال ذلك فساد على أصحابه، فلا يستطيعون بيعه ولا مؤاجرته قال يقوم قيمة، فيجعل على الذي أعتقه عقوبة وإنّا جعل ذلك لما أفسده (تهذيب الاحكام، ۱۴۰۷: ۸/۲۲۰؛ وسائل الشیعة، ۱۴۰۹: ۲۳/۳۹).

از این دو روایت و امثال آن استناد می‌شود که افساد بر مالک موجب ضمان است اعم از این که خود مال فاسد شود یا فاسد نشود؛ پس علت ضمان افساد مال بر مالک آن است، به نحوی که مالک نتواند نفع مورد انتظار را از آن ببرد (خمینی، ۱۴۲۸: ۲/۴۵۹).

۲- صرف عنوان اتلاف مال دیگری، موضوع برای ضمان و غرامت نیست؛ بلکه اتلاف از این جهت ضمان می‌آورد که موجب قطع سلطه دائمی مالک از ملک، هرچند مال از بین نرفته باشد، باز ملاک ضمان وجود دارد و این حکم عقلایی است؛ بنابراین قاعده اتلاف با لحاظ مناسباتی که به صورت ارتكازی در ذهن عقلاً وجود دارد، این معنا را می‌رساند که هر آنچه دست مالک برای همیشه از آن قطع شده باشد یا حتی احتمال برگشت اتفاقی آن به مالک وجود داشته باشد ضمان دارد مانند اینکه مال کسی در دریا انداخته شود (همان: ۱/۴۲۳).

جمع‌بندی

به نظر می‌رسد اتلاف در قاعده علاوه بر اتلاف حقیقی، اتلاف حکمی را نیز شامل می‌شود، به جهت اینکه:

۱- بنا بر تعریف ارائه شده از مال، قوام مال به مطلوبیت و مرغوبیت آن است. اگر چیزی مطلوبیت و مرغوبیت خودش را از دست بدهد هرچند موجود باشد، دیگر عنوان مال بر آن صدق نخواهد کرد، نه اینکه مال باشد ولی مالیت آن از بین برود؛ لذا یک دانه گندم علی‌رغم این که وجود دارد ولی چون مطلوب و مرغوب مردم نیست به آن مال اطلاق نمی‌شود.

۲- بر اساس مؤثقة سماعه و صحیحة سلیمان بن خالد اگر شریکی بنده مشترک بین خود و شرکایش را آزاد کند این عمل افساد مال غیر محسوب می‌شود در حالی که اتلاف حقیقی واقع نشده است؛ لذا در فرمایش امام بر اتلاف حکمی هم افساد و فناء مال اطلاق شده است.

ب) مال

مال در لغت: در عربی از فعل «مال یمیل میلا» گرفته شده است چون مال طرف خواهش و میل است و در فارسی هم خواسته نامیده می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸: ۳۵). مال در عرف به چیزی اطلاق می‌شود که انسان‌ها به آن تمایل دارند و نگهداری از آن برای بهره بردن در هنگام نیاز لازم شمرده می‌شود (خوئی، ۱۳۷۷: ۳/۲).

مال در شرع: مالیت هر چیزی به داشتن منافع حلال

مضمون له و شخص ثالث را مدیون اصلی می‌گویند (ماده ۶۸۴ قانون مدنی) ضمان قهری عبارت است از مسئولیت انجام امری یا جبران فوری ضرری که بدون وجود هرگونه قرارداد و عقد بین افراد به‌طور قهری و به‌حکم شرع و قانون حاصل می‌شود (خمينی، ۱۴۲۸: ۱/۳۲۵).

محیط زیست

محیط‌زیست، از دو کلمه ترکیب یافته است، یکی «محیط» که واژه‌ای عربی است، به معنای مکان و آنچه شخص یا چیزی را احاطه کرده باشد. به تعبیر دیگر: محیط فراگیرنده و جای زندگی آدمی است (فرهنگ لاروس، مدخل میم). دیگری کلمه «زیست» که واژه‌ای فارسی است و به معنای زندگی، حیات و زیستن آمده است (فرهنگ معین، مدخل میم).

محیط‌زیست به همه محیط‌هایی که در آن‌ها زندگی جریان دارد گفته می‌شود. مجموعه‌ای از عوامل فیزیکی خارجی و موجودات زنده که باهم در کنش هستند، محیط‌زیست را تشکیل می‌دهند و بر رشد، نمو و رفتار موجودات تأثیر می‌گذارند.

محیط‌زیست عبارت است از آنچه فرایند زیستن را احاطه کرده، آن را در خود فروگرفته و با آن در کنش متقابل است (بهرام سلطانی، ۱۳۷۵: ۴).

فضایی که محیط‌زیست اصلی انسان و سایر موجودات زنده را تشکیل می‌دهد، لایه‌ای است بسیار نازک که تنها بخشی از اتمسفر و پوشش خاکی کره زمین را شامل می‌شود. این لایه حیاتی را زیست‌کره یا بیوسفر می‌نامند. بیوسفر لایه‌ای است از خاک سطح زمین، هوا و آب‌های سطحی که همه جانداران در آن زندگی می‌کنند و خود بخشی از آن محسوب می‌شوند (همان: ۷).

محیط‌زیست به سه بخش کلی تقسیم می‌شود:

۱- محیط‌زیست طبیعی: این بخش از محیط‌زیست شامل قسمتی از فضای کره زمین است که به دست بشر ساخته نشده است؛ مانند کوه، جنگل، دریا...

محیط‌زیست طبیعی به دو بخش تقسیم می‌شود:

الف) طبیعت بی‌جان: مانند آب، هوا، خاک و ...

ب) طبیعت جاندار: مانند گیاهان، حیات وحش و ...

۲- محیط‌زیست مصنوعی: عبارت است از بخشی از محیط زیست که به دست بشر ساخته شده است. به‌طور کلی شهرهای ما با تمام محتوایشان محیط‌زیست

است. آنچه فاقد منافع حلال باشد مثل خمر و خنزیر مال محسوب نخواهد شد (همان: ۴/۲).

مراد از مال هر چیزی که برای رفع حوائج مردم مطلوب و مرغوب آن‌ها باشد. مال گاهی از قبیل اجسام است مثل خوردنی‌ها و پوشیدنی‌ها و گاهی از قبیل عوارض است مثل رکوب دابه و سکونت در خانه که در اصطلاح فقها به آن‌ها منافع گفته می‌شود. پس منافع هم مال محسوب می‌شود (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۲۹/۲).

مال در حقوق: از نظر حقوقی به چیزی مال گویند که دارای دو شرط اساسی باشد:

۱- مفید باشد و نیازی را برآورد، خواه آن نیاز مادی باشد یا معنوی.

۲- قابل اختصاص یافتن به شخص یا ملت معین باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۹).

محدوده قاعده

قاعده اتلاف شامل منافع مستوفات، اعمال مستوفات و اعیان می‌شود. اتلاف در خصوص منافع می‌شود که هنوز ایجاد نشده است این‌گونه صادق خواهد بود که منع از وجود و ابقاء عدم، با تفویت آن‌ها برابر خواهد بود (اصفهانی، ۱۴۰۹: ۹۷).

ضمان

ضمان به معنی قبول کردن، پذیرفتن و بر عهده گرفتن آمده است. در هر مورد که شخص موظف به جبران خسارت دیگری است، می‌گویند در برابر او مسئولیت مدنی دارد یا ضامن است (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۱۳).

مطابق ماده ۳۲۸ قانون مدنی هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است.

اقسام ضمان

ضمان را به عقدی و قهری تقسیم می‌کنند. ضمان عقدی عبارت است از این که شخصی مالی که بر ذمه دیگری است را به عهده بگیرد؛ در اینجا متعهد را ضامن طرف دیگر را

مصنوعی ما را تشکیل می‌دهند. خانه‌ها، خیابان‌ها، مدارس، فرودگاه‌ها، کارخانه‌ها و ... همگی از اجزای محیط‌زیست مصنوعی هستند.

عواملی نظیر آلودگی هوا و آب و زباله‌های کنار خیابان‌ها و ... نیز جزء این بخش از محیط‌زیست محسوب می‌شوند، چون حاصل فعالیت‌های انسان هستند.

۳- محیط‌زیست اجتماعی:

همه انسان‌های اطراف ما اعم از خانواده، همسایه، همکار و ... محیط‌زیست اجتماعی ما را تشکیل می‌دهند. این بخش از محیط‌زیست دارای اهمیت زیادی است؛ زیرا زندگی انسان که یک موجود اجتماعی است که در سایه ارتباط با دیگران مفهوم پیدا می‌کند (همان: ۹).

تخریب محیط‌زیست

طبیعت جلوه حضور خداست و احترام به طبیعت و موجوداتش نیز به معنای احترام به خداست. یکی از اماناتی که خداوند برای بشر قرار داده، همانا طبیعت است، طبیعتی که انسان را در دامانش می‌پروراند و انسان هم به لحاظ عقلی، هم شرعی و هم قانونی موظف به حفاظت از این نعمت والای خداوندی است.

آیا ما به حیث انسان‌های مسئولیت‌پذیر در برابر سلامت و حفظ محیط‌زیست، وظایف انسانی خویش را به‌درستی انجام داده‌ایم؟ یا این که با آلودگی‌های دست‌ساخته خود، اقدام به تخریب آن کرده‌ایم؟

افراد بشر سالانه حدود ۵/۵ میلیارد تن کربن را از طریق احتراق سوخت‌های فسیلی (زغال‌سنگ، نفت، بنزین و غیره) به جو زمین وارد می‌کنند. این حجم عظیم کربن در لایه تحتانی جو زمین تجمع می‌یابد و گرما را در خود نگه می‌دارد. در واقع گاز کربن و سایر گازهایی که به گازهای گلخانه‌ای معروف‌اند با تجمع در جو زمین، کره خاکی را به گلخانه‌ای بزرگ مبدل می‌کنند. گرم شدن کره زمین به‌نوبه خود خشکسالی، قحطی و کمبود آب را به همراه می‌آورد. این گرما به محصولات کشاورزی صدمه می‌زند و موجب کمبود آب مورد نیاز کشاورزی و آب آشامیدنی می‌شود (براون، ۱۳۷۰: ۸). تخریب محیط‌زیست بخش‌های گوناگونی دارد که به چهار بخش به‌صورت مختصر اشاره می‌شود:

۱- آلودگی صوتی

آنچه را که انسان مایل به شنیدن آن نیست آلودگی صوتی

گویند. آلودگی صوتی موجود در محیط زیست معمولاً حاصل ترکیب اصوات مختلف حاصل از فعالیت‌های تولیدی، صنعتی، ساختمانی و حمل‌ونقل است که باعث فرسودگی زودرس دستگاه شنوایی، اختلال در روند خواب و واکنش‌های سیستم اعصاب نباتی می‌شود (بهرام سلطانی، ۱۳۷۵: ۱۱۱).

۲- آلودگی آب‌ها

بخش عمده سطح کره زمین را آب فراگرفته است و زیستگاه گونه‌های زیادی از موجودات آبرزی است؛ منابع آب مورد استفاده انسان در خشکی‌ها محدودتر است و امکان آلوده شدن بیشتر است؛ آلودگی همراه آب در طبیعت گردش می‌کند و برای سلامت انسان‌ها، جانداران مضر است یا تعادل اکوسیستم را برهم می‌زند. آب وقتی آلوده خوانده می‌شود که در ترکیب و خواص آن تغییری حاصل شود تا حدی که بر اثر این تغییرات آب برای مصارفی که قبلاً در حالت طبیعی به کار می‌رفت نامطلوب گردد (همان: ۱۰۵). مهم‌ترین تأثیرات فعالیت‌های انسان بر روی آب‌ها در سه مورد خلاصه می‌شود:

۱- مصرف بیش از حد آب و از بین رفتن منابع آب.

۲- آلودگی آب‌های سطحی و زیرزمینی.

۳- گرم شدن زمین نیز در از بین رفتن منابع آب نقش دارد.

۳- آلودگی خاک‌ها

مهم‌ترین آثار فعالیت‌های انسان بر خاک عبارت‌اند از مسمومیت و فرسایش که موجب تخریب و کاهش توان زمین‌های زراعی می‌شوند. به‌طور کلی فرسایش خاک پدیده‌ای طبیعی است که به‌وسیله عواملی چون باد، روان آب‌های سطحی و تغییرات دما انجام می‌گیرد. با این حال، فعالیت‌های انسان از جمله زراعت مفرط، آبیاری زمین‌های زراعی، محصولات تک‌کشتی، چریدن بیش از حد دام‌ها در مراتع، جنگل‌زدایی و بیابان‌زایی باعث از بین رفتن تعادل موجود میان روند تخریب و ایجاد خاک و در نهایت آلودگی آن می‌شوند.

مسمومیت خاک می‌تواند در اثر افزایش نمک‌های خاک توسط ماشین‌آلات کشاورزی و یا آلودگی مستقیم آن توسط افراد یا کارخانه‌ها ایجاد شود. در این صورت خاک ناحاصل خیز و حتی سمی برای برخی گیاهان می‌شود.

۴- هوا

آلودگی هوا عبارت است از ورود مستقیم یا غیرمستقیم هر عنصری توسط انسان که احتمال ایجاد اثرات نامطلوب بر سلامتی انسان و محیط زیست را داشته باشد.

هرگاه یک یا چند ماده آلوده کننده با غلظتی یا به مدتی در هوا موجود باشند که به انسان، گیاه، حیوان و اشیاء زیان برسانند یا سبب کاهش رفاه و آسایش زندگی گردند، آن هوا را آلوده می گویند (همان: ۹۵) انواع آلاینده های هوا عبارت اند از:

۱- گازهای شیمیایی سمی که غالباً حاصل واکنش های سوختن هستند.

۲- اوزون که وجودش در لایه های پایینی هواکره تأثیرات خطرناکی بر سلامتی جانداران دارد.

۳- گازهای حاصل از سوختن چون دی اکسید گوگرد، اکسیدهای ازت، مونوکسید کربن، سولفید هیدروژن و بعضی گازهای گلخانه ای.

۴- گرد و غبار و ذرات معلق در هوا
۵- گازهای گلخانه ای همچون دی اکسید کربن، متان و فلئوروکربنها.

۶- فلزات سنگین همچون آرسنیک، سرب، روی، مس، کروم، جیوه و کادمیوم که در اثر فعالیت های صنعتی وارد هوا می شوند.

این مواد آلاینده می تواند از منابع ذیل حاصل شود:

۱- منابع خانگی

۲- منابع تولیدی و صنعتی

۳- ترافیک و وسایل نقلیه موتوری

به طور کلی هوای آلوده می تواند آثار مخربی بر محیط زیست داشته باشد از قبیل:

۱- کاهش سلامت و یا تهدید جدی سلامت انسان

۲- آسیب وارد آوردن به جانوران

۳- تخریب پوشش گیاهی

۴- ایجاد خوردگی در فلزات

۵- ایجاد فرسودگی و خوردگی در ابنیه

۶- کاهش کیفیت شرایط اقلیمی (همان: ۹۵).

بحث و نتیجه گیری

بر اساس قاعده مورد بحث هرکس مال دیگری را بالمباشره یا بالتسبیب تلف کند، ضامن است اعم از این که تلف حقیقی و یا حکمی باشد. یکی از مصادیق اتلاف مال غیر،

تخریب محیط زیست است که گاهی بالمباشره و گاهی بالتسبیب است.

۱- تخریب محیط زیست مصنوعی که ملک فرد یا گروه و یا عموم جامعه ممکن است باشد اتلاف مال غیر محسوب می شود.

۲- تخریب محیط زیست اجتماعی که باعث صدمه وارد کردن به هنجارهای اجتماعی و متزلزل کردن بنیان های آن می شود، نوعی اتلاف مال دیگران خواهد بود.

۳- مصرف بی رویه و غیرمجاز از منابع طبیعی، تعدی به حقوق دیگران است که این تضییع حقوق دیگران اتلاف مال غیر است.

۴- ایجاد آلودگی صوتی غیرمجاز، به خطر انداختن سلامتی دیگران است که خود اتلاف مال غیر محسوب می شود.

۵- آلوده کردن آب ضمن این که مستقیماً با به خطر انداختن سلامتی انسان ها ارتباط دارد باعث آلوده شدن خاک ها می شود و خاک آنگاه که آلوده شد خاصیت اصلی خودش را از دست می دهد و در نتیجه کشاورزی و به تبع آن زندگی دچار مخاطره می شود.

۶- آلوده کردن هوا هم سبب ورود خسارت به انسان ها می شود که در متن به آن اشاره شد.

بنابراین تخریب محیط زیست در هر شکل و نوعی که اتفاق افتد باعث اتلاف مال غیر می شود و بر مبنای قاعده اتلاف و حقوق مدنی این اتلاف موجب مسئولیت مدنی و ضمان آور است و هرکس اعم از فرد یا گروه و یا نهاد اجتماعی که موجبات این اتلاف را فراهم آورند ضامن هستند و باید پاسخگو باشند.

منابع

قرآن کریم.

اصفهانى كمپانى، شيخ محمد حسين (۱۴۰۹). الإجارة. قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

بجنوردی، حسن بن آقا بزرگ موسوی (۱۴۱۹). القواعد الفقهية. قم: نشر الهادی.

براون، لستر (۱۳۷۰). وضعیت جهان. ترجمه حمید طراوتی. تهران: نشر ژرف.

بهرام سلطانی، کامبیز (۱۳۷۵). محیط زیست. تهران: وزارت آموزش و پرورش.

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۸). حقوق اموال. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- حر عاملی، محمد بن حسن بن علی (۱۴۰۹). وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- حلی، ابن ادریس (۱۴۱۰). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- حلی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (بی‌تا). تذکرة الفقهاء (ط - القديمة). بی‌جا.
- خمینی، سید روح الله موسوی (۱۴۲۸). کتاب البيع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
- (۱۴۱۸). کتاب البيع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
- خوئی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۳۷۷). مصباح الفقاهة. بی‌جا.
- شیرازی، سید محمد حسینی (بی‌تا). القواعد الفقهية. بیجا.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الامامية. تهران: المكتبة المرتضوية لاحیاء الآثار الجعفرية.
- (۱۴۰۷). تهذیب الاحکام. تهران: دارالکتب الاسلامية.
- فاضل لنکرانی، محمد موحدی (بی‌تا). القواعد الفقهية. بی‌جا.
- فیض کاشانی، محمد محسن ابن شاه مرتضی ابن شاه محمود (بی‌تا). مفاتیح الشرائع. بیجا.
- قمی، شیخ صدوق (۱۴۱۳). من لایحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴). اموال و مالکیت. تهران: نشر میزان.
- (۱۳۹۰). وقایع حقوقی: مسئولیت مدنی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامية.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۷). قواعد فقه. بی‌جا.
- مصطفوی، سید محمد کاظم (۱۴۲۱). مائة قاعدة فقهية. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱). القواعد الفقهية. قم: مدرسه امام امیر المؤمنین (علیه السلام).